



مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35603>



مقاله پژوهشی

نقش اخلاق در تحصیل دلیل در حقوق ایران و مصر

منصور عطاشنه^۱، کریم بنیانی^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و اصول قانون اساسی توسل به اقدامات غیر مشروع و غیر قانونی در خصوص کسب ادله جزایی ممنوع می‌باشد و هر اقدامی که در این زمینه بدون اتکا به قوانین موضوعه صورت بپذیرد، اولاً به دلیل تحصیل دلایل از طریق غیرمشروع مسموم نمی‌باشد؛ ثانیاً به دلایل اثباتی از این طریق ترتیب اثر داده نمی‌شود. هدف این مقاله بررسی جایگاه اخلاق در تحصیل دلیل در حقوق جزای ایران و مصر است.

مواد و روش‌ها: رویکرد این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانتداری تهیه و تدوین گردیده است.

یافته‌ها: بررسی نظریات در حقوق جزایی ایران و مصر نشان‌دهنده تقارب بسیار میان نظام حقوقی جزایی در زمینه تحصیل دلیل در دو کشور است. البته در حقوق جزای مصر، هرچند سیستم ادله قانونی حاکم است، لیکن قناعت وجدان که بر آموزه‌های اخلاقی تکیه دارد، جایگاه خود را از آنجا که قاضی می‌تواند برخلاف ادله قانونی حکم صادر نماید، تثبیت نموده است.

نتیجه‌گیری: هر دو نظام حقوقی ایران و مصر با بهره‌گیری از اصول جزایی و با اتکا به اصول اخلاقی در تحصیل دلیل، آموزه‌های فقه جزایی را سرلوحه قرار داده‌اند و به قضات تکلیف شده است که چنانچه این تحصیل دلیل از راه مشروع و قانونی نباشد، از ادله اثباتی خارج گردیده و قابلیت استماع نداشته باشد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹

واژگان کلیدی:

دلیل

اخلاق

دلیل در امور جزایی

تحصیل دلیل

افتاع وجدانی قاضی

اثبات واقعیت

* نویسنده مسؤول: کریم بنیانی

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه عدالت،

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی.

کد پستی: ۶۴۷۱۷۶۷۹۱۵

پست الکترونیک:

Karimbonyani153@gmail.com

۱. مقدمه

تحصیل دلیل یکی از موضوعات مهم و اساسی در حقوق کیفری کشورها از جمله در نظام‌های حقوقی ایران و مصر است. این امر، جدای از اصول حقوقی، به آموزه‌های اخلاقی نیز پیوند خورده است. بر این اساس، بدون دلیل، امکان احراز و انتساب دادن بزه به بزه‌کار جرم و اجرا نمودن کیفر و اعلام برائت و بی‌گناهی شخص مرتکب امکان‌پذیر نخواهد بود. از مهم‌ترین اصول حاکم بر تحصیل دلیل در حقوق جزای ایران، می‌توان اصل مشروعیت تحصیل دلیل، اصل برائت، اصل ارزیابی آزادانه دلیل، اصل آزادبودن تحصیل دلیل و اصل قانونمندبودن دلیل را نام برد که عدم رعایت این اصول و تحصیل دلیل از طریق نامشروع، نه فقط برخلاف حقوق بشر و حفظ شأن و کرامت انسانی و مجریان دادگستری است، بلکه از موجبات نقض رأی در محکمه تجدید نظر می‌باشد. ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصر مقرر می‌دارد که قاضی در دعوی کیفری حسب عقیده‌اش که با آزادی کامل ایجاد گردیده، حکم می‌دهد. معنای این ماده این است که تمام راه‌های اثبات در امور جزایی مورد قبول می‌باشد. دیوان کشور مصر در بیان این قاعده گفته است: «قانون - جز در مواردی که مستلزم طرق خاص است - درهائیش را به طور کامل بر روی قاضی کیفری گشوده است و او می‌تواند از هر راهی که وی را به کشف حقیقت می‌رساند، استفاده کند»؛ در همین خصوص مواد ۲۹۱ تا ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصر نیز امکان توسل به تمام ادله را جایز شمرده و دست قاضی را در تعیین کارشناسان برای توضیح و کشف واقعیت باز گذاشته است.

در واقع اثبات و کشف یک جنایت، اقامه دلایل به واسطه مقام ذی‌صلاح و با روش‌هایی است که قانون مقرر داشته است که با سلطه استدلال و تحقیق آغاز می‌شود و منتج به صدور حکم می‌گردد. دلیل به عنوان وسیله اثبات واقعیت برای تشخیص و کشف حقیقت و شناسایی و دستیابی به بزه‌کار و اعمال

مجازات بر او یک ضرورت غیر قابل اجتناب و مؤثر در انتساب آن به متهم است. کشف حقیقت به واسطه وسایلی که قانوناً قادر به تأیید وجود یا عدم وجود یک واقعه و صحت و یا سقم یک موضوع است، نه فقط در خدمت تأمین منافع خصوصی افراد زیان‌دیده است، بلکه حمایت از منافع و مصالح عمومی و اجتماعی به شمار می‌رود.

در نظام قضایی مصر دادرسی باید بنا به ماهیت پرونده و ادله ارجاعی از جانب طرفین به جمع‌آوری دلایل اقدام نموده و تحقیقات لازمه را در مورد ماهیت پرونده انجام دهد. در حقوق مصر دسترسی همگان به سیستم قضایی برای موارد خواسته شده یا مطالبه‌شده به صورت برابر به عنوان یک اصل، بیان گردیده است. ماده ۹۷ قانون اساسی مصر دسترسی آزاد به سیستم عدلیه را تضمین می‌کند و چنین بیان می‌دارد: «حقوق اشخاص حقیقی است که محافظت می‌شود و یک حق غیر قابل گذشت است. دولت باید دسترسی به دادگستری را برای دادخواهان و رسیدگی سریع فراهم نماید». مسأله اساسی در حقوق مصر در تحصیل دلیل کیفری تفسیر شواهد موجود به واسطه دادرسی می‌باشد. تطبیق یا عدم تطبیق ادله با قانون با دادرسی است و در نهایت وی فعل یا ترک فعل را قابل مجازات می‌داند یا خیر. در مواردی که ادله وجود ندارد، داستان تعیین می‌کند که آیا بازجویی انجام بگیرد یا خیر؟ البته در حقوق کیفری مصر و با توجه به ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۹۵۰ به نظر می‌رسد بازجویی زمانی است که ادله وجود نداشته یا بیم از دست رفتن ادله وجود داشته باشد.

بنابراین این مورد یکی از اختیارات دادرسی در تحصیل دلیل می‌باشد، البته باید بیان نمود که سیستم قضایی مصر از سال ۱۹۶۶ به سوی سیستم محکمه خاص برای رسیدگی مطابق طبقه‌بندی جرائم پیش‌رفته است و محاکم با صلاحیت مشخص شده اقتصادی، خانوادگی، کودک و کارگری تحت نظام قضایی مصر شکل گرفته‌اند. تحصیل دلیل در نظام قضایی

مصر فقط متکی بر استنباط خود دادرسی نیست و همان‌گونه که بیان گردید، محاکم خاص تشریفات خاصی برای بررسی ادله، استنباط و به تبع آن، صدور رأی را نیز دارند که گاهی به شکل مشارکت متخصصین حوزه‌های مختلف می‌باشد. به عنوان مثال در رسیدگی به جرائم خانوادگی هیأت داوری شامل سه قاضی و دو متخصص روان‌شناس و جامعه‌شناس است که حداقل یکی از آن‌ها باید یک زن باشد. این اشخاص پرونده را زیر نظر داشته و استنتاجات خود را بیان و آن را گزارش خواهند داد.

با بیان این توضیحات مقدماتی در ادامه نظام دادرسی در مصر و ایران از حیث تأثیرپذیری از اصول اخلاقی در رابطه با بحث تحصیل دلیل مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

۲. ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در نگارش این مقاله به اصول اخلاقی و حرفه‌ای ملتزم بوده‌اند و از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانتداری تهیه و تدوین گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله رویکردی توصیفی - تحلیلی دارد و با بهره‌گیری از روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

۴. یافته‌ها

با مطالعاتی که در زمینه موضوع تحقیق صورت پذیرفت، می‌توان به نقش اخلاق در تحصیل دلیل جزایی در دو نظام کیفری ایران و مصر پی برد؛ چه این که این دو کشور ضمن تبعیت از آموزه‌های فقه اسلامی، در مسأله تحصیل دلیل به اصول اخلاقی و حقوقی پایبند می‌باشند. در نظام حقوقی ایران در صورتی که از ادله اثبات قانونی و مشروع استفاده نشود،

برای قاضی قابلیت استماع نداشته و به آن دلیل ترتیب اثر داده نمی‌شود. در قانون مصر در خصوص استماع و یا عدم استماع دلایل به شکل غیر قانونی اظهار نظر نشده است؛ البته در نظام حقوقی مصر مجازات سنگینی برای کسانی که در تحصیل دلیل از طریق نامشروع اقدام نمایند، پیش‌بینی شده است، لیکن در خصوص اعتبار استنادی دلایلی که به شکل غیر مشروع و غیر قانونی حاصل گردیده، تعیین تکلیف ننموده است. هرچند به طریق اولی وقتی در این زمینه با کیفر سنگین مرتکبین مواجهه می‌شویم، روشن است که دلایلی که به شکل نامشروع تحصیل گردیده‌اند، فاقد ارزش قانونی و قضایی می‌باشند.

۵. بحث

۵-۱. محدودیت‌های تحصیل دلیل در نظام کیفری ایران

و مصر: پذیرش اصل آزادی تحصیل به خودی خود می‌تواند حقوق و آزادی‌های شهروندان را که در قراردادهای و میثاق‌های بین‌المللی و همچنین قوانین اساسی غالب کشورها محترم شمرده شده است، مخدوش کند، چه بسا مقامات قضایی برای کشف واقع و یا ختم سریع پرونده از روش‌های مختلفی استفاده می‌کنند که مغایر این آزادی‌ها و کرامت انسانی باشد. اقرار از طریق شکنجه، استعمال مواد مخدر و روان‌گردان، ضبط مکالمات، استراق سمع و... همگی روش‌هایی است که می‌تواند خطرناک باشد. از این رو قانونگذاران با وضع قوانین و مقرراتی، محدودیت‌هایی برای تحصیل آزاد ادله تصویب کردند و این دغدغه خاطر بشر دوستان را تا حد زیادی تأمین نموده‌اند.

در عین حال، تنها این دغدغه نبوده است که راه تحدید آزادی تحصیل دلیل را پیش روی قانونگذاران گشوده است، بلکه سیاست جنایی سنجیده اقتضاء کرده که در پاره‌ای جرائم راه‌های اثبات احصا گردد، مضافاً به اینکه در امور مدنی نیز روش احصای ادله را برگزیده‌اند.

مواجه می‌کند، لذا قاضی در تحصیل دلایل با محدودیت کامل مواجه نیست، لیکن در عین حال باید توجه نمود حقیقت نمی‌تواند به هر روش ولو نامشروع به دست آید (۲).

تمامی رویکردهای نظام‌های حقوقی، در کشف و اثبات حقیقت، توسل به دلایل نامشروع و عدم رعایت امانتداری در تحصیل دلایل را ناپسند و ممنوع می‌دانند و در قوانین خود نیز آن را منع کرده‌اند. اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از توسل به شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع و اخذ شهادت و سوگند منع نموده است.

قانون اساسی جدید مصر در ماده ۴۲ اعلام می‌دارد: هر شهروندی که بازداشت و یا دستگیر و یا آزادی‌اش محدود گردید، بایستی با توجه به حفظ شؤونات با وی رفتار گردد. هیچ‌گونه صدمه جسمی و یا روحی نبایستی به وی وارد شود. او را نبایستی در مکان‌هایی غیر از آنچه که طبق قانون به عنوان زندان، سازمان یافته است، محبوس و یا نگهداری کرد. هرگونه اعترافی که تحت شروط غیر عادلانه و نامناسب مذکور از شخص گرفته شود، فاقد اعتبار و وجاهت قانونی است.

قانون اساسی جدید مصر در مواردی استانداردهای لازم برای قانون اساسی دموکرات را مورد توجه قرار نداده و رعایت نکرده است. زبانی که در تدوین این قانون به کار رفته و محدودیت‌ها و تبصره‌هایی که وضع شده است، برخی از حقوق اساسی را تهدید کرده یا ذات این حقوق را نادیده می‌گیرد. لذا گفته می‌شود در این قانون عدم استفاده از واژه شکنجه برای جریان دادرسی شوکه‌کننده است چرا که در اجرای فرایند دادرسی در محکمه‌ها و نهادهای قضایی فقط به ممنوعیت برخورد فیزیکی منجر به آسیب جسمی اشاره شده است و دیگر اشکال شکنجه گویا جایز شمرده می‌شود (۲).

در فرآیندهای دادرسی، ارائه دلایلی به ظاهر قانونی و مشروع اگر به طرق نامشروع و غیر قانونی انجام شود و به اخلاق پایبند نباشد، سبب زوال حقوق اساسی افراد و عدم احترام به تمامیت جسمانی انسان‌ها و نقض حریم خصوصی آن‌ها و

در حقوق اکثر کشورها مانند ایران، فرانسه، اردن و مصر به این مهم توجه شده است که قاضی حق ندارد برای تحصیل دلیل به هر وسیله‌ای متوسل گردد. وسایل اثباتی غیر انسانی امروزه از ساحت حقوق جزا مطرود است.

بازداشت بیش از ۲۴ ساعت، گرفتن اقرار به عنف، هیپنوتیزم، استعمال مواد مخدر و روان‌گردان، استعمال دستگاه کشف دروغ، از جمله مواردی است که برای احترام به تمامیت جسمانی و روانی افراد منع شده است (۱).

احترام به مسکن، مکاتبات و مراسلات اشخاص در راستای ارزش‌نهادن به خصوصیات زندگی شخصی و فردی مورد توجه قرار گرفته است (۲). احترام به حقوق دفاعی متهم از جهتی و تأمین و تضمین عدالت از جهت دیگر و مزیداً لزوم حفظ کرامت انسانی، دستگاه قضایی را محدود به رعایت اموری کرده است که قوانین اکثر کشورها به آن‌ها اشاره داشته‌اند تا جایی که عدم رعایت این اصول و قواعد ضمانت اجراهای سختی را در پی دارد (۳).

محدودیت‌هایی که بر اصل آزادی تحصیل دلیل وارد است، منحصر به مرحله دخالت ضابطین دادگستری نبوده، بازپرس و قاضی محکمه جزایی نیز نمی‌توانند به هر وسیله‌ای برای جمع‌آوری دلیل متوسل شوند (۴).

در قوانین دادرسی کیفری ایران مواد مختلفی به تحدید این اصل اختصاص یافته است. رویه قضایی نیز حاوی مطالب مهم و جالبی در باب رعایت این محدودیت‌ها است.

۵-۲. لزوم مشروع بودن تحصیل ادله جزایی با تأکید بر

آموزه‌های اخلاقی: منظور و هدف اساسی تمام پرونده‌های جزایی، کشف حقیقت است؛ اما کشف این حقیقت، ضمن اینکه تابع اصول حقوقی است باید به اصول اخلاقی نیز پایبند باشد. در این مسیر، مقنن نتوانسته است به طور قطع تمام راه‌های رسیدن به حقیقت را در قالب عناوین دلایل، مورد شمارش و احصا قرار دهد. پذیرش روش احصای دلایل در امور جزایی، اجرای عدالت و مبارزه با بزه‌کاری و جرائم را با مشکل

تشویق ایشان به ارتکاب جرائم و توسل به خدعه و فریب می‌شود. تحصیل نامشروع دلیل رعایت امانت در تحصیل ادله را نقض و باعث سلب ارزش اثباتی ادله می‌شود و باید این ادله را فاقد ارزش قانونی به حساب آورده و از اعداد ادله معتبر خارج نمود (۵).

قانونمندی در اداره دلیل سبب پیشرفت حقوق بشر و توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و تلاش در پاسداشت و احترام به جایگاه والای انسان می‌شود. برای تأمین عدالت جزایی در سطح جوامع نمی‌توان صرفاً به محصول ناشی از تحصیل دلیل توجه نمود، لذا نباید از شیوه‌های انسانی و مشروع و قانونی تحصیل دلیل غافل بود.

در تمام نظام‌های جزایی دنیا، اصول آیین دادرسی کیفری اصول و قواعد ثابت و استواری هستند و حتی با تغییر قوانین این اصول ثابت می‌مانند و مقنن در اصلاح قوانین به این اصول توجه داشته و آن‌ها را رعایت می‌نماید. این قواعد پایه‌های اساسی آیین دادرسی را تشکیل می‌دهند. برای اعمال این اصول باید مقنن در مواد قانونی آن‌ها را پیش‌بینی نموده باشد. در نظام‌های جزایی ایران و مصر قوانین مجازات اسلامی، آیین دادرسی جزایی و قانون العقوبات و قانون الإجراءات الجنائية، مواد گوناگونی را به ادله اثبات دعوا اختصاص داده و به چگونگی رعایت یا عدم رعایت اصول حاکم بر تحصیل دلیل پرداخته‌اند (۱).

قانون، استفاده از شیوه‌های غیر قانونی در تحصیل دلیل را مجاز نمی‌شمارد و دلایلی که از این راه‌ها به دست می‌آید را غیر قابل استناد می‌داند. برای کشف حقیقت از یکسو، ادله معتبر، مشروع و قانونی، و از سوی دیگر شیوه‌ها و طرق صحیح تحصیل مشروع و معتبر، لازم و واجب‌الرعايه است تا از توسل به روش‌های غیر قانونی و مذموم در تحصیل و ارائه دلیل اجتناب شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۹ بیان می‌دارد: اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شده باشد، فاقد ارزش و

اعتبار است و محکمه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید. البته بهتر بود که قانون هرگونه دلیلی که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شده باشد را فاقد ارزش و اعتبار اعلام می‌کرد. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موضوع مشروعیت تحصیل دلیل را به صراحت پیش‌بینی نکرده و فقط از مفهوم برخی از مواد می‌توان بر رعایت قانون در تحصیل ادله و خودداری از هرگونه شیوه متقلبانه و خدعه‌آمیزی برد (۴).

قانون العقوبات (مجازات) مصر نیز به صراحت ماده‌ای درباره دلیل مشروع و مشروعیت تحصیل دلیل ندارد. این قانون در باب ششم (الإكراه و سوء المعاملة من الموظفين لأفراد الناس) درباره اجبار و بدرفتاری مأموران با افراد در ماده ۱۲۶ سوء رفتار مأمورین موظف را بنا به نتیجه منتج از این رفتار مشمول سه تا ده سال زندان و در صورت مرگ مجنی‌علیه مشمول حکم قتل عمد قرار داده است، ولی درباره اینکه تکلیف دلیل به دست‌آمده از این طریق چیست، توضیحی ارائه نگردیده است، لیکن از روح قانون و مجازات سنگین شامل این رفتار، می‌توان آن دلایل را همچنین غیر قابل قبول دانست. علاوه بر این، شهادت نادرست و خدعه‌آمیزی، مشمول مجازات‌های حبس مشدد و زندان قرار گرفته است (۲). در قانون العقوبات، ماده ۲۹۴ آمده است که: «کل من شهد زوراً لمتهم فی جنایة أو علیه یعاقب بالحبس؛ هر کس علیه متهم در ارتکاب جنایت شهادت نادرست بدهد، به حبس محکوم می‌شود.»

در فرآیند دادرسی جزایی به ویژه در کشور ایران، اصولی از قانون اساسی نظیر اصل‌های ۳۷ و ۳۸ قانون اساسی، شیوه و چگونگی تحصیل دلیل را مقید به قیودی کرده و چارچوبی را برای آن تعریف کرده است، چارچوبی که «مشروعیت» خوانده می‌شود. شأن دستگاه و مقامات قضایی از یکسو و لزوم احترام به حقوق انسان از سوی دیگر، دستگاه قضایی را از به کاربردن وسایلی که منزلت انسان را زیر سؤال می‌برد و دادرسی

منصفانه را با چالش رو به رو می‌کند، منع کرده‌اند. به همین دلیل، اصلی با عنوان «اصل مشروعیت ادله» در نظر گرفته شده است تا محدودکننده اصل تحصیل آزادانه دلیل باشد. اصل مشروعیت حکم می‌کند که فقط ادله‌ای قابلیت ارائه به محکمه و مورد استناد قرار گرفتن را داشته باشند که از سوی مقنن و رویه قضایی ممنوع نباشد (۴).

۳-۵. اشتراکات توجه به اخلاق در تحصیل دلیل در نظام

جزایی ایران و مصر: با مطالعه در حقوق جزای کشورهای اسلامی خاصه ایران و مصر مشاهده می‌گردد که در این نظام‌های حقوقی قبل از اینکه به اصول قانونی در تحصیل دلیل متکی باشند، به آموزه‌های اخلاقی اتکا دارند و اخلاق، تحصیل دلیل از طرق غیر مشروع و غیر قانونی را مذموم و ناپسند شمرده و برای قاضی نیز قابلیت استماع ندارد. در واقع در یک رویکرد کلی، چارچوب حقوقی اصل آزادی دلیل در قلمرو جزایی، از یک طرف، به مرزهای «دلیل مشروع» و از طرف دیگر، به مرزهای مشروعیت تحصیل دلیل با اتکای به اصول حرفه‌ای و اخلاقی محدود شده است. ممنوعیت تحصیل و ارائه ادله فاقد ارزشی قضایی و تأکید بر اثبات برخی از جرائم با ارائه ادله و شیوه‌های قضایی خاص همگی به معنای تحدید اصل آزادی دلیل در قلمرو آیین دادرسی جزایی و با اتکا به اصول اخلاقی در ایران و مصر تحقق یافته‌اند؛ چه این‌که هر دو نظام حقوقی به آموزه‌های دینی و اخلاقی پایبند می‌باشند و صرف قانونی‌بودن دلیل یا مشروعیت ادله به تنهایی برای ارائه به مرجع جزایی کافی نیست و علاوه بر آن، دلیل باید به راه‌های مشروع و قانونی تحصیل شده باشد، چراکه مهم‌ترین دلیل نیز در اثبات یک واقعه مجرمانه، چنانچه در تحصیل آن ضوابط قانونی و شرایط مقرر نادیده گرفته شده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌گردد (۶) و این موضوع بیانگر اهمیت اصل مشروعیت تحصیل دلیل است.

۴-۵. نظرگاه دکترین حقوق جزای ایران و مصر در

خصوص تحصیل دلیل کیفری با تکیه بر اخلاق: از دیدگاه

دکترین حقوق جزای ایران، در تحصیل ادله کیفری، باید به گونه‌ای عمل شود که آزادی اراده افراد مخدوش نگردد و کرامت و منزلت انسانی آن‌ها مصون از تعرض باقی بماند و مهم‌تر از همه اینکه، در تحصیل ادله کیفری اخلاق‌مداری سرلوحه کار دستگاه قضایی باشد تا شأن و اعتبار دستگاه قضا حفظ گردد. قاضی نباید بدون اتکا به اخلاق در تحصیل دلیل، خود را به سطح بزه‌کاری که مرتکب جرم و حيله و تقلب شده تنزل دهد، زیرا این امر برخلاف اخلاقه حسنه و ایضاً شأن، مقام و منزلت دستگاه قضایی است و قبول و تعمیم استفاده از فریب و نیرنگ و صحنه‌های تصنعی، منتهی به ایجاد دستگاهی پلیسی می‌شود که مغایر با تمدن و اخلاق است. شیوه غیر قانونی و غیر اخلاقی تحصیل دلیل در صورت رسمیت، سبب انفکاک حقوق و اخلاق می‌گردد و این انفکاک اگر به صورت قاعده‌مند و سیستماتیک به مرحله اجرا درآید، منجر به جدایی حقوق از سرمنشأ اصلی خود، یعنی عدالت و انصاف می‌شود؛ روندی که از آن به «بی‌عدالتی قانونمند» تعبیر گردیده است. به همین علت، در دیدگاه دکترین حقوق جزای ایران با الهام از آموزه‌های دینی و اخلاقی، اصل مشروعیت تحصیل دلیل در پرتو اصل قانونی‌بودن قرار گرفته و توسل به کلیه راه‌های لطمه‌زننده به کرامت انسانی از قبیل شکنجه، رفتارهای غیر انسانی و خوارکننده و... را منع می‌کند (۷، ۸). همچنین، تحصیل ادله از طریق مکر و حيله که همواره به عنوان شیوه‌های مخالف با کرامت دادگستری ملاحظه شده‌اند را ممنوع می‌سازد و بر همین مبنا اجازه به کارگیری و استفاده از برخی وسائل مخالف با حریم انسانیت، مانند دروغ‌سنج و... را نمی‌دهد.

گاهی خود قانونگذار وسیله اثباتی خاصی را برای محکومیت متهم لازم دانسته است. فرضاً در حقوق مصر اثبات زناى محصنه با روش‌هایی است که در ماده ۲۷۶ قانون جزا معین شده است. این روش‌ها عبارتند از دستگیری حین انجام عمل، اقرار، وجود نامه‌ها با نوشته‌ها و اوراق منتسب به او و یا متهم

و ضرورت کیفردهی به بزه‌کاران و نیاز به تأمین امنیت جوامع ایجاب می‌کند جرائم با هر روشی به جز در مواردی که قانون آن‌ها را غیر قانونی و غیر اخلاقی اعلام کرده، اثبات گردند. در امور جزایی، هر نوع ادله قابل قبول است، بدون اینکه هیچ مدرکی بر دیگری برتری داده شود و بدون اینکه قاضی نسبت به یکی از آن‌ها مقید باشد.

در پرونده‌های جزایی، چون غالباً مقصود، اثبات امور عادی از قبیل ارتکاب اعمال مجرمانه و عناصر مادی و روانی بزه می‌باشد، امکان تهیه دلیل از زمان وقوع جرم وجود ندارد. بنابراین مقنن نمی‌تواند برای این نوع دعاوی ادله اثبات پیش‌بینی نماید. به همین دلیل نظر غالب این است که قاضی باید بتواند از هر راهی که ممکن است به صورت آزادانه اقتناع وجدان حاصل نماید و دست او در تحقیق و تفحص و جمع‌آوری ادله برای اثبات جرم نسبت به دعاوی حقوقی بازتر است. تحصیل آزادانه دلالت بر این دارد که هیچ سلسله مراتبی برای ادله اثبات وجود ندارد، مگر در مواردی که قانون مقرر داشته باشد، پس می‌توان از تمام ادله اثبات قانونی استفاده کرد. مقنن با تدوین سیستم اثبات اخلاقی، می‌خواهد دریچه هر وسیله اثبات جدیدی را که به طور بالقوه و قانونمند می‌تواند مطابق پیشرفت علمی، تکامل دانش و تجربه، ظاهر شود، باز بگذارد.

بنابراین قاضی و طرفین می‌توانند هرگونه دلایلی را بر مبنای اصول قانونی و اخلاقی به شرط عدم نقض حقوق اساسی و با احترام دقیق به قانون برتر اعمال کنند. با این حال، همانطور که گفته شد اصل آزادی ادله مطلق نیست؛ و این اصل از محدودیت‌های خاصی رنج می‌برد. برای مثال دلایل باید مبنای خاصی داشته و مرتبط باشند. بنابراین هر مدرکی که منطقیاً مرتبط و دارای ارزش اثبات کافی باشد، قابل قبول است؛ البته قاضی با بهره‌گیری از اصل آزادی دلیل، می‌تواند شواهد را حتی در صورت مرتبط بودن، نپذیرد.

در مکانی دستگیر شود که مخصوص افراد محرم است. در این ماده توضیح داده شده است که این ادله خاص برای اثبات زنا یا شریک زوجه (زانی) است، در حالی که برای اثبات زنا یا خود زوجه یا زوج و یا زنی که با زوج دیگری هم‌بستر می‌شود، نظام آزاد ادله حکم‌فرما است.

یکی از دکتترین حقوق جزای مصر در انتقاد از این روش می‌گوید، نتیجه مترتب بر این امر این است که اگر دعوی علیه زوجه زانیه و شریکش (مرد زانی) در دادگاه اقامه شود، دادگاه طبق اصل آزادی تحصیل دلیل زن را محکوم به زنا می‌کند، ولی بنا بر احصای ادله برای طرف مقابل مرد ممکن است تبرئه شود و بدیهی است این خلاف عدالت است (۹)، مضافاً به اینکه خلاف فقه اهل سنت نیز هست، زیرا بنا بر نظر فقهای عامه ادله اثبات زنا نسبت به زانی و زانیه علی‌السویه است.

طبق اصول کلی ملهم از دکتترین و رویه قضایی، آزادی توسل به ادله، از لحاظ نحوه و کیفیت تهیه و جمع‌آوری دلیل، محدود شده است، هرچند کشف حقیقت هدف اساسی در دعاوی کیفری است، اما پشتوانه آن تکیه بر اصول اخلاقی در تحصیل دلیل می‌باشد. به همین خاطر دکتترین به پشتیبانی رویه قضایی، استفاده از هرگونه شیوه و وسیله‌ای که شایسته دستگاه عدالت نیست و موجب صدمه به ارزش‌های انسانی و اخلاقی می‌شود را منع کرده است. بنابراین تحقیق از متهم باید صادقانه و صریح بوده و از هرگونه تلقین، حيله، تهدید و خشونت دور باشد و روش‌های تهیه دلیل باید با رعایت ارزش‌های معنوی و اخلاقی انجام شود. در امر کیفری هر نوع آسیب بدنی نسبت به متهم جهت اخذ اقرار و اجبار به پاسخ منع شده است، زیرا «به کاربردن این وسایل، وجدان فرد را تضعیف می‌نماید و درک و شعور او را در هم می‌شکند و در نتیجه اقرار تحت اجبار، غالباً با حقیقت، تطبیقی ندارد» (۱۰).

۵-۵. تحلیل تحصیل آزادانه دلیل در امور کیفری توأم با پایبندی به اصول اخلاقی و جزایی: الزام به کشف جرائم

زندگی شخصی و زناشویی اوست (۶). بنابراین زمینه تحصیل دلیل قانونگذار مصری ادله قانونی می‌باشد و ادله قضایی چنان جایگاهی ندارند و قاضی نیز صرفاً با عنایت به همان چارچوب قانون به ادله توجه می‌نماید و همچنین قانون مصر نسبت به ادله قانونی که از راه نامشروع و غیر قانونی کسب گردیده، اعتباری قائل نمی‌باشد، در نتیجه موضع نظام حقوقی مصر در این خصوص کاملاً صریح و روشن می‌باشد و لذا فصل خطاب تنها قانون است.

برخی از نویسندگان مصری معتقدند، گرچه بار اثبات دعوای جزایی بر دوش دادستان نهاده شده است، ولی پذیرش اصل آزادی اقناع قاضی و نتایج آن بسیاری از آثار آن را کاهش می‌دهد، زیرا تلاش دادستان در جمع‌آوری دلایل در عین حال که موجب تحصیل دلایل بیشتر و در نهایت صدور حکمی عادلانه‌تر است، متهم را مجبور می‌کند بار حقیقی اثبات را خود بر دوش بکشد تا بی‌گناهی خود را روشن کند و در برابر ادله دادستان به دفاع برخیزد و صرف سکوت و امتناع از دفاع نه تنها راهگشا نیست که در ارزشگذاری قضات نیز مؤثر است و چه بسا به ضرر او بیانجامد. قاضی می‌تواند اقناع وجدانی خویش را بر هر عنصری از عناصر اثبات دعوا بنا نهد (۲). همین نویسنده توضیح می‌دهد که تفسیر شک به نفع متهم نتیجه اصل آزادی قاضی در اقناع وجدانی نیست، بلکه نتیجه اصل برائت است، زیرا این دو همیشه منجر به یک نتیجه نمی‌شوند؛ چه بسا قاضی بدون اینکه ادله کافی در دست داشته باشد، به طور کامل بر مسؤولیت جزایی متهم علم پیدا کرده باشد، در حالی که حکم برائت صادره توسط قاضی ناشی از تفسیر به نفع متهم است نه اصل آزادی قاضی کیفری در اقناع وجدانی و در اینجا این امر مهم برجسته می‌گردد که اصل برائت، ضامن حقوق فرد و مانع صدور حکم محکومیت در مواردی است که علیرغم اقناع وجدانی قاضی، دلیل قاطعی در دست نیست (۲). بنابراین این دو اصل در جریان اعمال اختیار قاضی در سنجش دلایل حکمفرما می‌باشند. لازمه سنجش و

تحصیل و ارائه دلیل در قوانین دادرسی کیفری اکثر کشورها در دو نظام متفاوت: ۱- نظام آزادی دلیل؛ ۲- نظام ادله قانونی مطرح می‌شود. در نظام آزادی دلیل، وصول دلایل و کشف حقیقت می‌تواند از هر طریق و شیوه‌ای انجام شود، لذا دلایل دارای سلسله مراتب نیستند و قاضی، محدود به ادله ارائه شده نیست، لیکن در نظام ادله قانونی، دلایلی به واسطه اصحاب دعوا قابل ارائه هستند که به شکل قانونی پیش‌بینی شده باشند. در این رویکرد قانونی برخی از ادله بر ادله دیگر برتری دارد و قاضی به محتوای دلیل وابسته است و نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد (۱۱).

در همین راستا قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۱۶۱ بیان می‌کند: در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند، مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد. مقنن با این بیان، اعلام می‌دارد که برخی دعوای کیفری ممکن است با ادله‌ای اثبات شوند که موضوعیت ندارند. مقنن ایرانی در جرائم مستوجب حد به ادله اثبات موضوعیت بخشیده یعنی اعلام کرده این‌گونه جرائم به صرف تحقق ادله منصوص ثابت می‌شوند و در سایر جرائم ادله طریقی داشته و هر دلیلی یکی از طرق ایجاد علم، برای قاضی می‌باشد.

۵-۶. موضع نظام حقوقی مصر در قبال بار اثبات تحصیل

دلیل: مقنن مصری در تحصیل دلایل در بیشتر موارد شیوه ادله قانونی را برگزیده است و قاضی محدود به ادله ارائه شده به واسطه قانون است. برای مثال در جرم سنگین زنا در مواد ۲۷۳ تا ۲۷۶ برای اثبات این جرم ادله خاصی را اعلام نموده است. «الأدلة التي تقبل وتكون حجة على المتهم بالزنا هي القبض عليه حين تلبسه بالفعل أو اعترافه أو وجود مكاتيب أو أوراق أخرى مكتوبة منه أو وجوده في منزل مسلم في المحل المخصص للحريم.» دلایل قابل قبول علیه متهم به زنا دستگیری او در حال ارتکاب یا اعتراف یا وجود دست نوشته یا سایر اوراق کتبی از متهم یا حضور وی در خانه مسلمان دیگری است که حریم

باید یادآوری کرد مبنای اختیار قاضی در قانون مجازات اسلامی نظام دوگانه آزادی دلیل و ادله قانونی است که مقنن ایرانی آن را تجویز می‌نماید، البته پذیرش بدون قید و شرط علم قاضی به عنوان یکی از ادله موجب استبداد قضایی و خودکامگی قضات و در نتیجه صدور احکام غیر عادلانه می‌شود. برای جلوگیری از این نتیجه نامطلوب ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی بعد از تعریف علم قاضی، قاضی را مکلف ساخته تا علی را که باعث تحقق علم یقینی برای او شده، در دادنامه ذکر نماید. عدم ذکر این علل موجب ابطال رأی در مراحل تجدید نظر و تخلف انتظامی برای قضات محسوب می‌شود. این ماده بیان می‌دارد که علم قاضی عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود (۱۳). نظام اثبات ادله جنایی یکی از مهم‌ترین مباحث دادرسی جزایی است، چراکه کلیه دادرسی‌ها هدف اثبات حقیقت و تبرئه متهم یا مجازات او و دستیابی به عدالت مطلوب را دنبال می‌کنند.

اصل ارزیابی آزادانه دلیل از مهم‌ترین اصولی است که بر اساس آن دلایل جزایی پایه‌گذاری شده است. این امر، اختیار کامل در ارزیابی ارزش هر مدرک به صورت جداگانه را تجویز می‌کند و در نهایت ممکن است هماهنگی بین ادله ارائه شده را تأمین نماید و نتیجه‌گیری منطقی از چنین ادله‌ای به دست آورد.

۵-۸. اهمیت رسیدگی به ادله جزایی در محاکم کیفری

ایران و مصر: همانطور که بیان کردیم در نظام‌های جزایی ایران و مصر به سبب اعتقاد به نظام مختلط دلایل جزایی، در دادرسی‌ها محدودیتی برای رسیدگی محکمه به دلایل وجود ندارد و محکمه ممکن است از راه‌های مختلفی به واقعیت پی ببرد و این دلایل وقتی قابل استناد هستند که صرفاً محکمه آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و اعتبار و صحتشان را احراز نموده باشد. تبصره ۲ ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که

ارزشگذاری ادله توسط قاضی کیفری این است که به همه ادله مطروحه نزد دادگاه توجه کند. او می‌تواند گفتار برخی از شهود که او را قانع کرده است، مستند حکم قرار دهد و گفته‌های سایرین را از نظر دور دارد.

۵-۷. نقد ارزیابی آزادانه دلیل در امور کیفری: بر اساس

قاعده ارزیابی آزادانه دلیل، قاضی در نهایت آزادی، ادله ابرازی را ارزیابی می‌کند و در رد یا قبول هر کدام از دلایل آزاد است و تمامی وسایل و امکانات، را برای کشف حقیقت و اعلام حکم بر اساس اعتقاد باطنی خود به کار می‌گیرد. اصل ارزیابی آزادانه دلیل نباید با اصل تحصیل آزادانه دلیل یکسان فرض شود. این اصل هرگز به این معنا نیست که در تحصیل ادله هیچ‌گونه ضابطه و قاعده‌مندی حکمفرما نیست و یا اصل تحصیل آزادانه دلیل بدون قید و شرط قابل اجراست. قانون چگونگی تهیه و جمع‌آوری دلایل را محدود به شروطی خاص نموده است (۱۲).

اصل ارزیابی آزادانه دلیل، علم قاضی را مهم‌ترین ادله اثبات دعوا تلقی می‌کند و برای قاضی و وجدان وی در تحصیل ادله و صدور رأی نقش محوری و اصلی قائل است. در این سیستم علم قاضی از چنان اعتباری برخوردار است که اگر ده‌ها دلیل و اماره هم برخلاف علم قاضی در پرونده وجود داشته باشد، همچنان قاضی می‌تواند بر اساس علم خود عمل نماید (۱۳).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۲۱۲ اعلام می‌دارد: در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نخواهد بود و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آن‌ها رأی صادر می‌شود.

البته منظور، علم عادی و متعارفی است که وسیله حل و فصل و ترافع دعاوی قرار می‌گیرد. مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات می‌تواند مستند علم قاضی قرار گیرد.

مقدمه حصول علم هستند و اگر قاضی از راه این ادله، علم به واقعیت پیدا کند، می‌تواند بر اساس آن‌ها حکم صادر نماید؛ حتی ممکن است ادله‌ای که در مرحله بدوی مورد بررسی قرار گرفته است، در مرحله تجدید نظر مورد بازنگری قرار گیرد و مردود اعلام شود و نیز دلایلی که نهاد تعقیب آن‌ها را جمع‌آوری کرده و توجه اتهام به متهم را محرز ساخته است و بر اساس این ادله تفهیم اتهام شده و قرار تأمین صادرگردیده است، ممکن است در محکمه مورد قبول واقع نشود و حتی متهمی که در بازداشت موقت به سر می‌برد، تبرئه شود (۱۴-۱۶).

۵-۹. اهمیت مستند و مستدل بودن آرای محاکم: قوانین

جمهوری اسلامی ایران و همچنین قوانین مصر در موارد مختلف، مستند و مستدل بودن حکم دادگاه را لازم و ضروری دانسته‌اند، به طوری که عدم رعایت آن موجب نقض آن در دادگاه تجدید نظر می‌شود. گرچه مقنن ادله را معین و محصور نکرده است، لیکن چون بعضی قرائن و امارت اثباتی به حد و مرتبه دلیل نمی‌رسند، قاضی نمی‌تواند به آن‌ها استناد کند و از این حیث، سکوت متهم اقرار محسوب نمی‌شود، زیرا به فردی که ساکت است سخنی منسوب نمی‌شود. همانطور که اگر متهمی در دفاع از خود جرم را به متهم دیگر نسبت دهد، بدون اینکه دلیل دیگری در دست باشد، نمی‌توان آن را برای صدور حکم کافی دانست. همچنین باید شرایط و ویژگی‌هایی که قانون برای هر دلیل مقرر کرده است، موجود باشد. در حقوق مصر حکمی که مستند به شهادتی بدون سوگند قبلی و یا شهادت طفل غیر ممیز و یا معاينه محلی بدون دعوت و حضور اصحاب دعوا، باشد، حکمی باطل تلقی می‌گردد (۱۶).

در همین راستا در اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است: احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. همچنین برابر مفهوم اصول آیین دادرسی جزایی و در راستای تأمین حقوق متهم آرای محکمه‌ها باید به دور از تصمیمات

نزد قاضی در محکمه انجام گیرد. همچنین قانون مجازات اسلامی پیش‌تر از این ماده ضمن ماده ۱۷۱ در مورد شروط قبول اقرار مقرر داشته است: هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر اینکه با بررسی قاضی رسیدگی‌کننده قرائن و امارات برخلاف مفاد اقرار باشد. در این صورت محکمه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و قرائن و امارات مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند. قانون مزبور در ماده ۱۷۴، راجع به شهادت شهود نیز بیان می‌نماید: شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است.

از سویی دیگر، فصل دوم قانون آیین دادرسی جزایی مصر، اقامه دعوی جنایی را در صلاحیت محاکم جنایی و محاکم نقض قرار داده است و بیان می‌دارد: «إذا رأَت محكمة الجنایات فی دعوی مرفوعة امامها أن هناك متهمین غیر من أقیمت الدعوی علیهم أو وقائع اخرى غیر المسندة فیها إليهم أو أن هناك جنایة أو جنحة مرتبطة بالتهمة المعروضة علیها فلها أن تقیم الدعوی علی هؤلاء الأشخاص بالنسبة لهذه الوقائع وتحیلها الى النيابة العامة لتتحقیقها والتصرف فیها طبقا للباب الرابع من الكتاب الأول من هذا القانون» (۹).

اگر محکمه کیفری در پرونده جزایی که به او ارجاع شده است، متوجه شود متهمانی غیر از افرادی که از آن‌ها شکایت شده است یا حقایق دیگری که درباره آن‌ها اعلام نظر نشده است، وجود دارد یا اینکه یک بزه‌کاری یا تخلفی در رابطه با اتهام قبل از آن وجود داشته، می‌تواند نسبت به این موضوع اقدام به اقامه دعوا نسبت به اشخاص مذکور نماید و آن‌ها را برای تحقیق و اعلام نظر مطابق باب چهارم کتاب اول این قانون به دادسرا ارجاع دهد (۱۴).

از مواد قانون مجازات اسلامی ایران و قانون العقوبات مصر و مقررات قانون آیین دادرسی جزایی ایران و قانون الاجراءات الجزاییه مصر چنین استنباط می‌شود که ادله اثبات جرم

می‌گوید: این به آن مفهوم نیست که قاضی بر اساس میل خود رأی بدهد، بلکه باید اقتناع او پس از بحث و تفکر و رعایت قواعد منطق و استنتاج، ایجاد شود (۱۹).

۶. نتیجه‌گیری

تحصیل دلیل رویکردی است که از طریق ادله قانونی و با تکیه بر اصول اخلاقی و وجدانی درصدد رسیدن به حقیقت در مورد جرم موضوع رسیدگی می‌باشد. در حقوق کیفری مصر، اصل مناقشه در ادله پذیرفته شده است. از نتایج این اصل عدم جواز استناد به علم شخصی قاضی، یعنی علم محصل در خارج از پرونده است، زیرا معلومات شخصی قاضی قابل طرح در جلسه و ارزیابی و بررسی نیست و در نتیجه اصحاب دعوا نمی‌توانند در آن مورد در دادگاه مطلبی بیان کنند. برخی از حقوقدانان مصر در بیان یکی از دلایل عدم پذیرش علم شخصی قاضی با تفکیک میان «حقیقت قضایی» از «حقیقت واقعی» خارجی معتقدند که گاهی این دو مطابق یکدیگر نیستند و حتی مخالف و معارض‌اند، زیرا حقیقت قضایی تنها از راه آیین دادرسی که توسط قانون ترسیم شده است، ثابت می‌گردد، در حالی که ممکن است قاضی خود از کسانی باشد که به حقیقت واقعی مورد قضاوت و مخالفت آن با حقیقت قضایی، یقین داشته باشد. قانون در تمسک به «حقیقت قضایی» منهای «حقیقت واقعی» میان دو اعتبار توازن برقرار می‌سازد.

چگونگی تحصیل دلیل دارای اهمیت و آثار به سزایی است، زیرا در برخی موارد به علت نقص در تحصیل دلایل، ممکن است شخص ماه‌ها و یا سال‌های متمادی در بازداشت به سر برد و پس از مدتی تبرئه شود. یک اظهار اطلاع ناصحیح، یک گزارش خلاف واقع، یک نوشته مجعول، شهادتی دروغ و یا اظهار نظر کارشناسی بی‌دقت یا منحرف، ممکن است قاضی را به اشتباه بکشاند و موجبات محکومیت بی‌گناهی را فراهم سازد. بنابراین تحصیل دلیل باید با دقت، حساسیت و اتکا به قانون و اخلاق باشد.

غیر منطقی و خودسرانه بوده و مستدل و مستند به قانون صادر شده باشند. این اصل موجبات صیانت از قاعده قانونی بودن جرائم، مجازاتها و دادرسی‌ها را فراهم می‌نماید. مستندبودن آرا و احکام به معنی ذکر اسباب موجب اقتناع است و اقتناع زمانی حاصل می‌شود که نتیجه مورد وصول مطابق منطق امور و لازمه قواعد عقلی باشد. آرای قضایی باید بر دو مقدمه منطقی استوار باشد که اولی قانون است؛ دومی یک واقعیتی است که با قانون منطبق می‌شود، لذا رأی قضایی از دو مقدمه منطقی منتج می‌شود (۱۷).

علاوه بر مستندبودن، حکم قضایی باید مستدل هم باشد، یعنی حقایق و دلایلی که قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر کرده است، به درستی و مطابق قواعد عقلی، واقع را توصیف و با قانون مطابقت داده شده باشد. پس قضاوت باید واقعیاتی را که بر اساس آن‌ها رأی صادر کرده‌اند و دلایل دستیابی به این واقعیت‌ها و مواد و اصول قانونی را که به استناد آن‌ها رأی صادر کرده‌اند، در رأی خود ذکر کنند.

این رویه سبب می‌شود اصحاب دعوا از عادلانه بودن حکمی که در خصوص آن‌ها صادر شده است، اطمینان حاصل کنند و آن را بپذیرند و حتی در صورت غیر عادلانه بودن به فوریت آن را تشخیص داده و به آن اعتراض نمایند. بیان جهات رأی، طرفین را در تشخیص ذی‌حق بودن یا ذی‌حق نبودن خود کمک می‌کند و نیز نظارت محکمه‌های عالی بر محکمه‌های تالی را آسان می‌سازد و در سطح جامعه، امنیت قضایی را ارتقا داده و بر رفتار افراد جامعه و رعایت قانون به واسطه ایشان اثر می‌گذارد (۱۸).

قوانین جزایی ایران و مصر با پذیرش و اعتقاد به این اصل، رسیدگی به دعاوی را دو مرحله‌ای کرده و همچنین دیوان عالی در این کشورها موظف به نظارت بر محکمه‌های تالی خود هستند.

جندی عبدالملک با ذکر ماده ۱۴۹ قانون «تحقیق جنایات» مصر مبنی بر تکلیف قاضی به ذکر اسباب و دلایل حکم

نظام حقوقی کشورهای ایران و مصر در زمینه کسب دلیل همسو با جامعه جهانی مجموعه‌ای از استانداردهای متنوعی را با هدف تأمین یک دادرسی عادلانه با تکیه بر قانون و آموزه‌های اخلاقی تدوین کرده و به عنوان معیارهایی برای عدالت جزایی و برای اجرا در فرایندهای دادرسی ارائه کرده‌اند که هدف آن تضمین حقوق همه افراد در هنگام حضور در محکمه عدالت جزایی است. لیکن تمایزی که بین آن‌ها وجود دارد این است که در ادله اثبات دعوی در حقوق ایران به جهت وجود سیستم دلایل معنوی در دعاوی کیفری، دلایل محصور و محدود نمی‌باشد. بنابراین از هر ادله‌ای استفاده می‌شود، اما در حقوق مصر زمینه تحصیل دلیل از سوی قانونگذار مصری ادله قانونی می‌باشد و از هر دلیلی نمی‌توان استفاده کرد. بنابراین ادله قضایی جایگاهی ندارند و قاضی نیز صرفاً با عنایت به همان چارچوب قانونی به ادله توجه می‌نماید و خارج از ادله قانونی، ترتیب اثر داده نمی‌شود و تکلیفی نیز برای قاضی ایجاد نمی‌کند. راهکاری که برای برون‌رفت از مشکلات گوناگون در زمینه تحصیل دلیل در نظام عدالت کیفری داخلی وجود دارد، این است که با بهره‌گیری از شیوه نظام حقوقی مصر، ادله اثبات دعوی، فقط ادله قانونی باشند و سیستم دلایل معنوی برچیده شود.

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

نگارش و تألیف: منصور عطاشنه.
راهنمایی و نظارت بر نگارش مقاله: کریم بنیانی.

۹. تضاد منافع

در این مقاله، تضاد منافع وجود ندارد.

References

1. Bassiouni, M-SH. Criminal Procedures in the Arab Legal Systems and the Protection of Human Rights. Beirut: Dar al-Alam; 2019. p.667. [Arabic]
2. Abu Amer MZ. Special Penal Procedure. Beirut: Halaby Law Firm; 2018. p.119. [Arabic]
3. Golduzian I. General Criminal Law of Iran. Tehran: University of Tehran Press; 2017. p.92. [Persian]
4. Ashouri M. Law of Criminal Procedure. Tehran: Samt Publications; 2020. p.125. [Persian]
5. Raouf O. Principles of Criminal Procedures in Egyptian Law. Cairo: Dar Mahmoud; 2015. p.35. [Arabic]
6. Sanhoury A. The mediator in explaining the new civil law. Egypt: Scientific Library; 2015. p.12. [Arabic]
7. Akhoondi M. Law of Criminal Procedure. 16th ed. Tehran: Samt Publications; 2018. p.222. [Persian]
8. Pradel J. Les suites législative de l'affaire dite d'outrage. *La Semaine Juridique, Édition Générale*. 2015; 14(35): 1-18.
9. Al-Arezi R. Electronic evidence and its impact in the field of criminal proof theory. Baghdad: Zain Human Rights; 2019. p.63. [Arabic]
10. Brian I. Forensic Evidence. Qahreh: Arab House of Science Publishers; 2002. p.186. [Arabic]
11. Khazani M. Penal Process (Collection of Articles). Tehran: Ganj-e Danesh; 2008. p.71. [Persian]
12. Sanei P. Public Penalties: Tehran: Ganj-e Danesh; 2015. p.72. [Persian]
13. Tadayon A. Obtaining a reason in the Code of Criminal Procedure. Tehran: Mizan; 2016. p.16. [Persian]
14. Anderson G. Criminal Evidence: Principles and Cases. Oxford: Cengage Learning Publisher; 2013. p.23.
15. Saliba J. Philosophical Farhang. Translated by Sanei Darre Bidi M. Tehran: Hikmat Publishing; 2011. p.23. [Arabic]
16. Hosni MN. Explanation of the Criminal Procedure Code. Cairo: Dar al-Nahda al-Arabiya; 2019. p.426. [Arabic].
17. Hosseini Nejad H. Civil Law. Tehran: Mizan Publishing; 2016. p.34. [Persian]
18. Zeraat A. Civil Procedure Law in the Iranian Legal Order. Tehran: Qoqnus; 2018. p.42. [Persian]
19. Jundi AM. Criminal Encyclopedia. Cairo: Dar al-Ahya al-Turath al-Arabi; 2016. p.108. [Arabic]



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e33

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35603>



ORIGINAL RESEARCH



The Role of Ethics in the Obtaining Evidence in Iranian and Egyptian Law

Mansour Atasheneh¹ , Karim Bonyani^{2*} 

1. Assistant Professor of Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

2. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, University of Justice, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 08 July 2021

Accepted: 13 November 2021

Published online: 08 April 2022

Keywords:

The Reason

Ethics

Reason in Criminal Matters

Obtaining Evidence

Persuasion of the Judge

Proof of Fact

ABSTRACT

Background and Aim: According to the Code of Criminal Procedure and the principles of the Constitution, resorting to illegal actions in obtaining criminal evidence is prohibited, and any action taken in this regard without relying on the relevant laws, firstly, It is not heard because of illegitimate way through obtaining evidence; Secondly, for the reasons of the proof obtained in this way, the effect is not arranged. Our aim in this article is to examine the place of ethics in the obtaining evidence in the criminal law of Iran and Egypt.

Materials and Methods: This is a descriptive-analytical study, which has been prepared by using the documentary method and taking notes.

Ethical Considerations: From the beginning to the end of the article, it has been prepared and compiled with adherence to the principles of honesty and trustworthiness.

Findings: The study of views in the criminal law of Iran and Egypt shows a great convergence between the criminal legal system in the field of evidence in the two countries. In Egyptian criminal law, although the system of legal evidence prevails, the contentment of conscience, which relies on ethical teachings, has established its position because the judge can rule against the legal evidence.

Conclusion: Both legal systems of Iran and Egypt using criminal principles and relying on ethical principles in obtaining evidence, have put the teachings of criminal jurisprudence at the forefront, and judges have been instructed that if this obtaining evidence is not a reason in a correct and legal way, it is out of evidence and can not be heard.

* Corresponding Author: Karim Bonyani

Address: Department of Criminal Law and Criminology, University of Justice, Tehran, Iran.

Postal Box: 6471767915

Email: Karimbonyani153@gmail.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Atasheneh M, Bonyani K. The Role of Ethics in the Obtaining Evidence in Iranian and Egyptian Law. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e34.